

فقه معنوی سازی

□ آیه‌الله سید محسن خرازی

سید محسن امین‌زاده

می‌کند بر صورت ساز درختان، میوه‌ها، کوهها، رود، بزرگ که به با می‌ریزند، باغها و ... دلالت دارد. بدون این کار و مخالفتی از جانب کسی وجود داشته است.

روی سخن تن تصویر موجود است. از انداز است، و بحث و پژوهش درباره آن مقامها و جایگاههایی را طلب می‌کند.

مقام اول: حرام بودن مجسمه سازی

کدامی که از حیث قنوا و نص، خلافی در حرام بودن مجسمه سازی نیست و در جواهر بیان فرموده: «اجماع به هر دو قسم (محض و منقول) بر این حکم وجود دارد بلکه اجماع منقول مانند نصوص و احادیث رسیده در حدّ

تصاویر و تمایزها دو قسم هستند: ۱- دارای روح و پیکر

۲- بدون روح و پیکر
ترسیم (سنگ) و ... کدام از دو قسم فوق یا جاندار است و یا نه.

تصویر آن قسم موجوداتی که دارای روح و جان نیستند، نیز بوده و اشکالی در آن نیست، خواه تمایز پیکر، بیات و پیکر باشد و یا نباشد. چنان که روایات و راه از

باقری (که در معجم دست نوشته است) بیان می‌کند: «لا یجوز تأتیل

الشجر» در کشیدن شمایل و ساختن مجسمه درخت ایرادی نیست. و روایات دیگر نیز بر این حکم دلالت دارند. و افزون بر این روایات، سیره قطعی که تا عصر ائمه معصومین (علیهم السلام) ادامه پیدا

توثیق نشده و مورد اعتماد دانسته نشده است
 جز این که روایت بزرگانی از او - مانند حلبی،
 ابان، عبدالله بن مسکان، و ابی ایوب و ... - در
 یاد کردن به او کفایت کننده است.

استناد به دسته‌هایی از اخبار بر حرمت
 مجسمه سازی امکان پذیر است:

دسته اول: روایاتی که دلالت دارند بر این که

صورت‌گر روز قیامت مکلف به دمیدن در مجسمه
 مجسمه است.

الف: «آنچه در فی از علی بن ابراهیم از
 پدرش از ابن عباس و عبد الله بن مسعود از امام
 صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «کسی
 که مجسمه بسازد روز قیامت وادار می‌شود
 به او روح بدمد»
 ب: «کسی که در کتاب ثواب الاعمال»

گروه عذاب می‌شوند: ۱ - مردی که مکاشفه یا
 خوابی دروغ کرده باشد، پخته می‌شود که
 دو عدد جو را کره بزند و عصاره آن را
 در ظرفی ریخته و کسی که صورتی را با آن
 وادار می‌شود که در آن روح بدمد در حساب
 چنین قدرتی ندارد...»

ج: «شیخ) در من لا یحضره الفقیه و امالی
 روایت کرده، که ابی جعفر علیه السلام از رسم
 کتبی و کتبی صورتها نهی کرد و فرمودند:
 «کسی که در نقاشی خدا را در روز قیامت
 او را دمیدن روح در صورت نقاشی شده
 می‌شود: کسی که صورت حیوانی را ترسیم کند
 عذاب می‌شود تا اینکه در آن (روح) بدمد...»^۶

از محمد بن حسن از محمد بن صفار از
 یعقوب بن یزید بن محمد بن عیسی میثمی از
 هشام بن احمر و عبدالله بن مسعود از محمد
 بن مروان از امام صادق علیه السلام نقل شده که
 فرمود: سه گروه هستند که روز قیامت
 می‌شوند: کسی که صورت حیوانی را ترسیم کند
 عذاب می‌شود تا اینکه در آن (روح) بدمد...»^۷

ه: آنچه در محاسن از سعد بن ظریف، از
 ابی جعفر امام باقر علیه السلام روایت کرده است، که
 فرمودند: «براستی آنانی که خدا و رسولش را

و طریق حدیث به محمد بن مروان موثق و
 مورد اعتماد است، ولكن محمد بن مروان



مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند، صورت سازان هستند که روز قیامت مأمور بر دمیدن روح در آنها می‌شوند.^{۱۰}

الف: خبر صحیح^{۱۲} ابی العباس بقباک که به شیوه‌های گوناگون و مختلف روایت شده است. از جمله آن شیوه‌ها آنچه در فروع کافی از محمد

این خبر بر بزرگی حرام بودن مجسمه سازی دلالت دارد، زیرا سبب اذیت و آزار رسول خدا ﷺ و امام صادق ﷺ درباره کاخ، عماد و نقوش، آنها فرمودند: به خدا سوگند صورتها و مجسمه‌های مردان و زنان نبودند، شمایل آنها همانند آن بودند.

یحیی، از احمد و عبدالله دو فرزند محمد بن عیسی بن علی بن حکم از ابان بن عثمان از ابی عباس (برای او سلیمان) کاخ و بناها و معابد عالی و نقوش و تمثالها و ... ساختند^{۱۳} نقل شده که فرمودند: «به خدا سوگند صورتها و مجسمه‌های مردان و زنان نبودند، شمایل آنها همانند آن بودند.»^{۱۴} با توجه به این ادعا که ظهور اذیت در

و تمام کلامی که مجموعه این دسته از اخبار ظهور در حریم حرام بودن مجسمه موجوداتی دارند جاندار هستند و ضعف برخی از اخبار فوق‌الذکر دلالت بر این دیگر ضروری به استفاده حرمت این عمل نمی‌زند. علاوه بر این که آن اخبار در حقیقت استفاضه هستند.

حرمت صورت سازی جانداران را سؤال کننده و امام صادق ﷺ تمام مجسمه‌ها را حرام می‌خورند تا تمام حضرت سلیمان (بر پیامبر او و بر او سادگان) چنین عمل می‌کردند و بر این ادعا ایراد می‌کنند، با این بیان که: «انکار امام صادق ﷺ دلالت بر حرام بودن آن عمل بر حضرت سلیمان ﷺ ندارد. شاید برای او کراهت شدید داشته و ارتکابش سزاوار شخص پیامبر ﷺ

دسته دوم: روایاتی که از نقاشی هیأت و صورت سازی نهی می‌کند:

داشته و ارتکابش سزاوار شخص پیامبر ﷺ

نیست. پس نمسک به این خبر برای اثبات حکم مورد نظر بسیار ضعیف است.^{۱۵}

لکن این ایراد در معرض اشکال است؛ زیرا

که تحقق یافتن و پیش آمدن مکروهات با

بیان جواز (ایجاد) اشیاء (کار) کم نیست سبب

برای طرح این اشکال است. همچنین

احتمالی نیاز به رسم خوردن ندارد.

به: خبر صحیح محمد بن مسلم که گفت: از

امام صادق علیه السلام به رسم کردن صورتهای

درخت سؤال کردم، در پاسخ فرمودند:

«... که ترسیم آن از حیوان نباشد،^{۱۶}

ایرادی است.»

بر این حکم اشکال شده است، به این که

سؤال از شستن موجودات و روایت^{۱۷}

بازگشت به این سؤال دارد.

و مؤید این مطلب است آنچه از کتاب جعفر

از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده

است. آن حضرت علیه السلام از پدرش علیه السلام راجع

تمثالها سؤال کرد، در پاسخ فرمودند: «بازی با

آنها صحیح نیست.»^{۱۸}

اطلاق سؤال (آن چنان که از پاسخ استفاده

می‌شود) بر تمثالهای موجود حمل می‌شود، و

لذا بیان حضرت «ع» در مقام پاسخ به

صلاحیت نداشتن بازی با آنها است. بنابراین

مقال از حکم مناسب در مورد صورتهای موجود

(مانند بازی، فراهم کردن، داد و ستد) هست، و

روایت این است که در سینه ششمه موجودات

جاندار، بیکار است. علاوه بر این به کار بردن

کلمه «لا باس» در نفی موجودیت و کراهت

(اشیاء) شایع است. و به جهت از تحقق

کلمه «باس» (در ایجاد صورتهای جانداران)

حرام بودن، استفاده می‌شود.^{۱۹}

و امکان این هست که گفته شده متداول

بودن بکارگیری «لا باس» مورد مرجوح بودن

جای اعجاز دارد. زیرا «باس» ظهور در

عقوبت و سبب دارد. بنابراین «لا باس» در

برای بکارگیری آن که فاسد حال است نه اینکه

مقبول بر آن، انکار کراهت و مرجوح بودن

است. و به محض این که در برخی از مواقع در

این مورد بکار رود، منافات و ناسازگاری با

ظهوری که برای آن ذکر شده ندارد. نتیجه این

که «باس» افاده عقوبت و مجازات را به همراه

د: خبر ابی بصیر از امام صادق علیه السلام که در کتاب فروع کافی روایت شده است که آن بزرگوار

منقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل بر من آمد و گفت: ای محمد، همانا

پروردگارت را در خواب دیدم و از آرایش و زرق و برق و باختن به خانه نهی می‌کند، ابو بصیر گفت: مال کردم، زرق و برق انداختن به

خانه‌ها چیست؟ فرمودند: رسم کردن صورتها، شمایل و هیأتها در خانه‌ها

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است که فرمودند: جبرئیل بر من وارد شد و گفت: ای محمد،

همانا پروردگارت را در خواب دیدم و از آرایش و زرق و برق انداختن به خانه‌ها نهی

کردم، زرق و برق انداختن به خانه‌ها چیست؟ فرمودند:

رسم کردن صورتها، شمایل و هیأتها. (دلالت روایت فوق بر مطلب) بر طبق اینست که منظور از آنچه به نهی تعلق گرفته،

معنای مصدري تصویر باشد. ۲۲ نه صرف

افزون بر آنچه بیان شد، اینست که بسنده کردن سائل به پاسخ امام «ع» در روایت علی بن

جعفر، علامت و گواه است بر این که سؤال او مخصوص بازی با تمثالها است و اطاعت او (در

سؤال) وجود ندارد. در روایتی که می‌تواند گواه باشد بر این که «بأس» و «لا یس» در همه

موارد به همین معنا است. بلکه صورت سازی در برخی از اخبار به نهی فرار گرفته و مقصود

از آن جلوگیری از ایجاد تصاویر هست. (پس در بیندیش)

ج: خبر ابی بصیر از امام صادق علیه السلام در «کتاب» منقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله

روایت شده است فرمودند: جبرئیل بر من وارد شد و گفت: ای محمد، برآستی پروردگارت را در

ترسیم و ساختن تمثالها که در خانه‌ها باشد چه بسا روایت نهی از ایجاد صورتها

تصاویر را شامل شود. و آنچه در کتاب - من حضرت الفقیه - روایت شده این مطلب را تأیید

می‌کند: به این نحو که پیامبر صلی الله علیه و آله از ترسیم و نقاشی صورتها نهی فرمودند. به این عبارت که



برگرفتن صورتها و فراهم آوردن آنها در خانه‌ها؛ اگر غیر این باشد، نیازی به اضافه کردن تصاویر به تمائیل نیست (تصاویر التمائیل) افزون بر این، سؤال کننده، از زرق و برق انداختن سؤال کرد و این دارای معنای مصدری می‌باشد. سپس تناسب جمله‌ها را می‌کند، مقصود از «تصانیف» معنای مصدری باشد. ولکن (با همه این مطالب) روایتی که در حدیث سند ضعیف است.

هذه خبر بود در وصف العقول: انجاهم دادن و سایر انواع تصاویری که جاندار نیستند، تعلیم و تربیت آنها بی‌فایده است. ۲۴

و: خبر موجب «کتاب» خصال در حدیث اربعماه: پدرم علیه السلام می‌فرمود: ما روایت کردیم که سعد بن عبدالله به پدرش خبر داد، (او گفت: محمّد بن عیسی فرزندت است بقطیف) او را از یحیی از جدش حسن بن راشد از ابی بصیر و محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السلام برای ما روایت کرد که آن حضرت فرمود: پدرم از پدر بزرگم از پدرانش علیهم السلام برای من روایت کردند، به این که امیرالمؤمنین علیه السلام در یک نشست چهار

صد باب از آنچه مصلحت دین و دنیای مسلمان در آن هست، را به اصحابش آموخت ... از ساختن صورتها بپرهیزید، پس روز قیامت از این سؤال می‌شوید. ۲۵ قول قوی‌تر این است که یحیی بن یسیر موقوف است. زیرا نجاشی به آنچه در حدیث نکوهش کرده است، و گفته است. اصحاب را دید که نکوهش او را نکار می‌کردند و می‌گفتند: چنان کسی مثل ابی جعفر عبیدی یقطینی هست؛ و یحیی بن یسیر بن شاذان در مورد او چنین هست: در حدیثی که نزد یحیی یقطینی مثلش وجود ندارد. فضل بن شاذان او را دوست می‌داشت و مدح و ستایش می‌کرد. و دیدیم که بزرگان از او روایت کرده‌اند که او را ضعیف شمردن از غضائری و وثاقت قاسم بن یحیی آسیبی نمی‌رساند. بنظر که وحدیث بهمانی خبر داد؛ به جهت این که ضعیف شمردنهای او اعتبار مخصوصاً که مشایخ او را ضعیف و سست معزفی نکرده‌اند. و بزرگانی (خاصه مانند احمد بن محمّد بن عیسی) از او نقل روایت کرده‌اند. بنابراین روایت دارای اعتبار است.

ز: خبر عبدالله بن طلحه از امام صادق علیه السلام که در اکمال الدین روایت شده است. به این نحو که فرمودند: هفت گروه حرامخوار هستند ... و آنانی که پیکرها را ترسیم و صورت سازی می‌کنند.»^{۲۷}

ح: خبر اصیغ که فرمودند: کسی که قبری را نو کند یا تصویری را بکشد بر راستی از اسلام خارج شده است.»^{۲۸} ادعای تمام مذکور در کتابت غالب اخبار فوق بر حرمت هر نوع مجسمه سازی بعید نیست، با توجه به صحیح بودن بر این بنیاد و اضافه بر این زیاد از عدد آن است. اشکال: حضرت امام علیه السلام بر این ادعا اشکال کرده‌اند:

«همانا دسته از اخبار به تنهایی حکم و موضوع، ظاهرشان نیست که منکر آن است و صورتها در این اخبار شمایل بتهایی است که مورد عبادت و پرستش بودند مانند این بیان «کسی که قبری از نو بسازد یا تصویری را بکشد پس بر راستی از اسلام خارج شده است» و «کسی که تمثالها را ترسیم کند پس بر راستی خدا را

مخالفت کرده است» تا آنجا که به این بیان معصوم علیه السلام اشاره فرمود: «سخت‌ترین مردم روز قیامت از حیث عذاب، مردی است که قبری را کشته باشد و یا پیامبری او را کشته باشد.»^{۲۹} می‌کشاند که مردم را جاهلانه به گمراهی رهنم می‌کند. به گفته دیگر از معصوم علیه السلام: «همانا سخت‌ترین مردم از حیث عذاب، نزد خداوند در روز قیامت، ترسیم‌کنندگان صورتها هستند و ...» آن تهدیدها با نقاشی متناسبی فراگیر با مجسمه سازی و نقاشی کردن آنها ندارد؛ بدیهی است که سخت‌ترین تمثالها صورتها بزرگتر از کشتن شخص محترم، سواط، شرب خمر، و غیره است. همان سبب سبب نیست. و کار است و این که، منظور از ترسیم تمثالها در این کتاب، صورتها و بی‌شعایی است که می‌پرستند. یا احتمال دیگری در روایت اخیر وجود دارد و آن این است که منظور از کلمه «مصورون» آنهایی هستند که خدا را بر خوردار از صورت و ترسیم خطوط می‌دانند، آن چنان که این مذهب معروف و شهرت یافته در آن زمان

بود.

آنچه گمان برده شده و موافق با عقل و

سرشت مردم است، این است که گروهی از

عربها (بعد از ویران شدن اساس کفرشان:

شکسته شدن بتهایشان پس از است

رسول خدا ﷺ به

نابودی آنها) عا و وابستگی انسان به آن

صورتها و پیکرها باطن قلبشان موجود

بود؛ به همین جهت برای تکهداری آثار

گذشتگان و علاقه جاوید ماندن این آثار،

ش به بتها را می ساختند پس پیامبر ﷺ

با پا فتنه و تهدید می کرد که جز تناسبی با کفار

و کسانی که بتها را می ساختند، ندارد از آن

نهی و جلوگیری کرد.

و این نهی برای برچیده شدن اساس کفر

ریشه زندگه و خنلایه باطنی است و در

توحید بود. بنابراین آن روایات که در

بازگشت به مطلبی دارد که بیان شد. و در

ابن قداح از امام صادق ﷺ نیز بر همین بیان

حمل می شود که گفتند: امیرالمؤمنین ﷺ

فرمود: رسول خدا ﷺ مرا برای نابودی قبرها

و شکستن صورتها روانه کرد.» و همچنین

روایت سکونی از امام صادق ﷺ که به نقل از

امیرمؤمنان ﷺ فرمودند: رسول خدا ﷺ مرا

به مدینه فرستاد، و فرمود: هر صورت و پیکری

را که در آنجا هست و هر قبری را با زمین یکسان ساز و

هر سنگ را که بر آن است

پس هر روانه ساخت رسول خدا ﷺ

امیرمؤمنان ﷺ برای این متوجه، دلیل اهمیت

دادن به نابودی کفر و شرک و توحید و ... است.

و آشکار است که صورتها همان بتها و بتها،

از آثار و رسوم کفر و جاهلیت بوده است.

این که، کلمه «یک» در روایت رسمی به

کسر لام، منظور بیماری است که بر سنگ

عارض می شود و ریشه به انگلی است، و آن

هنگام که نسی را گاز بگردد این بیماری به او

انتقال می یابد. کتب مطبوعه و دور از اندیشه

نسی

تا این که امام ﷺ فرمود: و شاید امر و دستور

رسول خدا ﷺ به نابود ساختن قبرها، به این

علت بود که آن قبرها مانند پرستش بتها

موردتعظیم و احترام قرار می گرفتند و چنین

بودند که بر آنها سجده می‌کردند همانطور که روایات نهی کننده از گرفتن قبر پیامبر ﷺ به عنوان قبله و مسجد از این مطلب خبر می‌دهد.

این مسأله است. زیرا بقای این دو از امور ناپسند بود. و بزودی جواز و اجازه فراهم آوردن شمایل مجسمه‌ها بیان خواهد شد.

آنچه کمان برده شده و موافق با عقاید

سرشت مردم است، این است که کسی از عربها (بعد از وفات) شدن اساس برشان و شکسته شدن بت‌هایشان به دست رسول خدا ﷺ از زکوار به ناپودی آنها و وابستگی ایشان به آن صورت دیگرها در باطن قلب‌هایشان موجود بود؛ پس همین جهت برای نگهداری آثار گذشتگان و بت‌ها جاوید ماندن آن آثار، شبیه به بت‌ها را ساختند. روایت از مردی صدوق است که گفت: پیامبر گرامی ﷺ فرمودند: «قبور را از پیشانی و قبله و مسجد اتخاذ نکنید. همانا خداوند عز و جل یهود را لعنت کرد، آن گاه که قبرها را پیامبران را مسجد قرار دادند. و فرستادن رسول خدا ﷺ امیر مؤمنان ﷺ را، برای نابود کردن قبرها و شکستن صورتهای شاهد و گواه

و با توجه به بیانی که در مورد ترسیم صورت و مجسمه سازی داشتیم حکم «حرمت» می‌دهیم. آن چنان که نخواهد آن راهی و کمک کند. و روایت صحیح عبدالله بن مسعود بیان ما را تأیید می‌کند. او گفت: از رسول ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «شخصی به امام ﷺ گفت: بر فرزند که دارای شمالها و شمایل است، آنرا نمی‌توان نشست؟ فرمودند: عجم‌ها را مورد تجلیل قرار می‌دهند. شما را حفظ کرده و کوچک شماریم.»

فرمودند: «قبور را از پیشانی و قبله و مسجد اتخاذ نکنید. همانا خداوند عز و جل یهود را لعنت کرد، آن گاه که قبرها را پیامبران را مسجد قرار دادند. و فرستادن رسول خدا ﷺ امیر مؤمنان ﷺ را، برای نابود کردن قبرها و شکستن صورتهای شاهد و گواه

آن را زبون و خوار قرار دهم.»

و در روایتی است که «جبرئیل» گفت: همانا به خانه‌ای که در آن تمثال و شمایل باشد وارد نمی‌شویم و قدم به آن نمی‌گذاریم. تحقیر و

اولاً: بر بعید و دور شمردن عذاب شدید بر تمایل و تصاویر، دلیل وجود ندارد. و قرار دادن عذاب سخت برای برخی از معاصی و گناهان

اهانت به تصاویر در مقابل بزرگی شمشیر عجم‌ها بدان جهت است که آنها را فرار داده بودند و در رسیس و رسیس داشتند که آنها تمثال ارباب نواح و شبیه آنها هستند، آن ارباب انواع که واسطه‌ها مابین خدا و خلق می‌باشند.

کم نیست. آن چنان که از رسول خدا ﷺ روایت شده است: «کسی که ربا خوار باشد خداوند ربا خوارند و ربا خوارند ربا خوار می‌اشد» از آتش جهنم بر می‌کند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: کسی که شدیداً خشمناک شود خدای عز و جل دستاری از آتش

تمازیم این روایات حرمت همه تصاویر مجسمه‌ها را توجیه به گذشتن از غیر اینها استفاده نمی‌شود، بلکه این روایات (ظاهراً) مریضی ساختن بتها و نگهداری آثار جاهلیت و عطف موهوم و بی‌فایده آنها است. و رأی به حرام بودن بت‌سازی و نحو مطالب نگهداری و فرستادن آنها به بیابان بودن محو و نابودی این هیاکل و تصاویر متعددی ندارد. ۳۰ ۲۹

بر سر او می‌پیچد. منظور از خروج از اسلام روج حقیقی نیست، بلکه خروج حکم است. مانند بیان رسول خدا ﷺ فرمودند: «کسی که صبح که به امور مسلمانان اهمیت ندهد و توجه نداند باشد، مسلمان نیست.» و بیان دیدن آن است. فرمودند: «کسی که خشمین شود یا شخصی را به غضب آورد مسلمان اسلام (ایمان) را از گردنش جدا کرده است.» ۳۴

پاسخ:

امکان دارد (که در پاسخ حضرت امام علیه السلام)

و نیز: «کسی که در دنیا به امانتی که نزد او گذاشته شده، خیانت کند و آن را به صاحبانش

گفته شود:

برنگرداند بر دینی غیر اسلام مرده است.»

پس خروج از اسلام به سبب رسم کردن صورت، خروج حکمی است نه حقیقی. و روشن

است که ساختن بت حقیقتاً موجب کفر و خروج از اسلام نمی‌شود، و عمل مجسمه سازی

از آن نیست. پس مجسمه سازی ها از جانب شارع تنزیلی با مجسمه سازی ندارد،

دعوائی بدون شاهد است.

توجه به اطلاق اخبار در تجسیم و رسم - سبب

آن ظهور و انصراف نمی‌شود. مخصوصاً با این احتمال که در مورد تشدیدات و پافشاریهای

شارع (آن چنان که در روایات نفخ به آن اشاره شده است) سزوار این است که معصیت کبیره

باشد. پس مجسمه سازی ها از جانب شارع تنزیلی با مجسمه سازی ندارد، دعوائی بدون شاهد است.

نهی در مجسمه سازی (ساختن و رسم کردن) تمثالها و صورتها و حجج دلیلی وجود ندارد. آری اگر بکار

بردن تمثالها و تصاویر آنها بسیار باشد، ادعای بازگشت (به بتها) حقیقی است، و لکن

چنین کثرت استماع وجود ندارد. و وجود گروهی از مسلمانان کفراست که در

صدد نگهداری آثار پیشین است، سبب باز گرداندن این اخبار شده) به بتها

نمی‌شود. این گونه که بیرون روایاتی که دلالت بر کفر و خروج از اسلام دارد، که نسبت به آن را

برای شکستن صورتها و محو آنها روانه کرد؛ مخالفتی با اطلاق روایت مذکور ندارد، خواه آن

صورتها (که امر به شکستن آنها شده) را تنها بتها، و یا شامل غیر بتها نیز بدانیم.

ثالثاً: آن گونه که در (کتاب) مواهب بیان

است که ساختن بت حقیقتاً موجب کفر و خروج از اسلام نمی‌شود، و عمل مجسمه سازی

از آن نیست. پس مجسمه سازی ها از جانب شارع تنزیلی با مجسمه سازی ندارد،

دعوائی بدون شاهد است.

نهی در مجسمه سازی (ساختن و رسم کردن) تمثالها و صورتها و حجج دلیلی وجود ندارد. آری اگر بکار

بردن تمثالها و تصاویر آنها بسیار باشد، ادعای بازگشت (به بتها) حقیقی است، و لکن

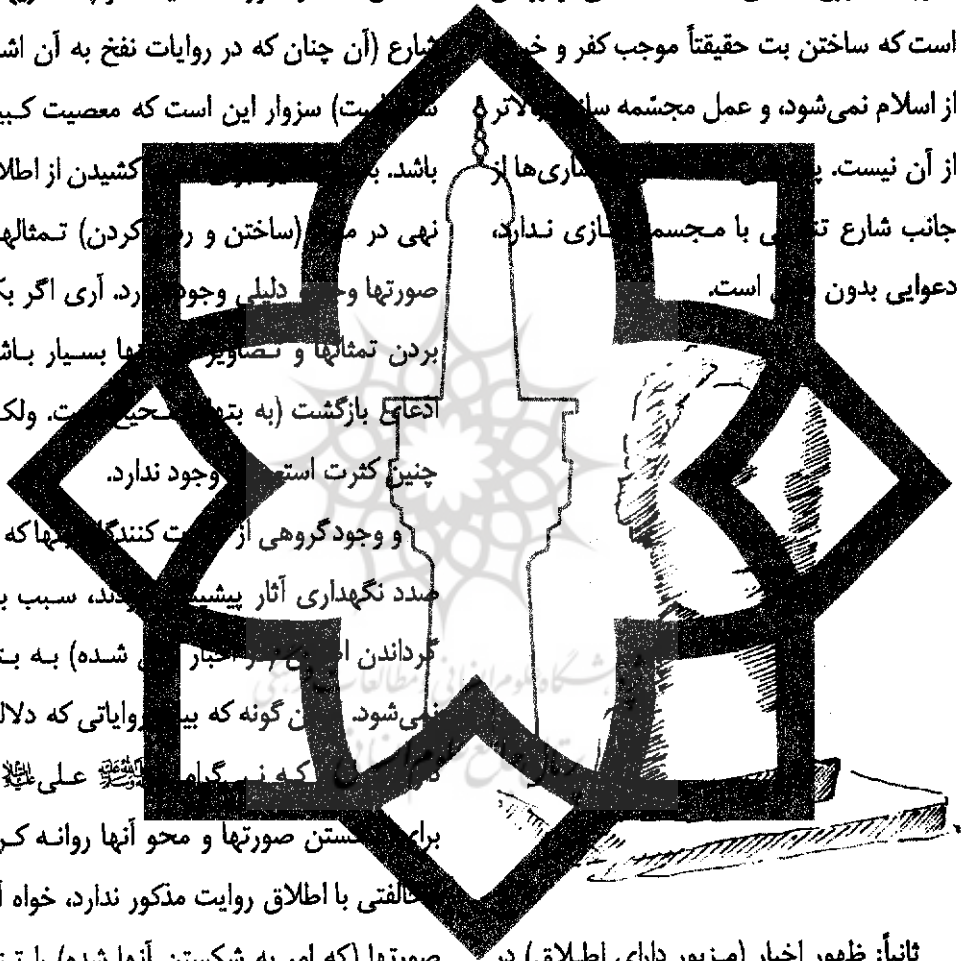
چنین کثرت استماع وجود ندارد. و وجود گروهی از مسلمانان کفراست که در صدد نگهداری آثار

پیشین است، سبب باز گرداندن این اخبار شده) به بتها نمی‌شود. این گونه که بیرون روایاتی که

دلالت بر کفر و خروج از اسلام دارد، که نسبت به آن را برای شکستن صورتها و محو آنها روانه کرد؛

مخالفتی با اطلاق روایت مذکور ندارد، خواه آن صورتها (که امر به شکستن آنها شده) را تنها بتها،

و یا شامل غیر بتها نیز بدانیم. ثالثاً: آن گونه که در (کتاب) مواهب بیان



شده، از عبارت «همانا صورت‌ساز در روز قیامت وادار به دمیدن روح در صورت می‌شود در حالی که چنین توانایی را ندارد.» و دیگر روایات

نبودن انحصار در حکمت مزبور، برای تأویل و باز گرداندن روایت (دارای اطلاق) به خصوص بت سازی دلیلی وجود ندارد.

استفاده می‌شود که حکمت در تشریح (تحریر) شبیه بودن به خالق و آفریننده است. تا آنجا که در دسته اخیر (اخبار) می‌بینیم تنها ترویج کفر و شرک شده. (اخباری که شکرستن صورتها دلالت بر جنانچه نبات (دارای اطلاق) ناظر بر آن می‌باشد که «امام علیه السلام» از دسته اخبار استفاده می‌نماید، مناسب در آنها بکار رفته است. تعبیر بود: «همانا صورت ساز در روز قیامت به موجب شفاعت از صورتها می‌شود. و حال آنکه توانایی رساندن چنین نفعی را ندارند. بدان جهت که مشرکان می‌گفتند: آنها شفاعت کننده نزد خدا هستند.» ۳۶

اباً؛ خوار شمردن و اهانت (به تمثالها و صور) در مقابل بزرگ کردن عجم‌ها (آن تمثالهایی که در روز قیامت بر سر فرشتها کشیده شده بود) در صورت ندارد بر اینها اصنام و بت‌هایی بودند توسط عجم عبادت می‌شدند، بلکه چه بسا همه شمایل برمی‌گردد؛ و امام علیه السلام مخالفت با روش اهلیت بزرگ شمردن تمثالها و خوار کردن آنها و نقاشی کردن آنها را بر اسقفها و دیوارها) فرموده است. و افزون بر آنچه بیان شد، اگر تمثالها و شمایل بت آنها را محسوس می‌کردند و باقی گذاشتند، این گونه که از مؤمنان علیهم السلام به ناپوشانده است.

و احتمال می‌رود منظور از بیان «من صور التماثيل فقد ضاдалله» همین باشد. هر حال حکمت حرام بودن مجسمه و صورت سازی در جلوگیری از عبادت بت‌ها، انحصار و اختصاص پیدا نمی‌کند و با توجه به صحیح

است. اگر این دسته از اخبار به بت سازی محسوس است داشته باشد. دلیل برای دست کشیدن از دسته اول (که بر حرام بودن ساختن مجسمه جانداران دلالت دارد) نیست. از آنجا که حضرت امام قدس سره (اشکال

رسول خدا ﷺ آنها را ناپسند داشتند»^{۴۰}

و روشن است که توثیق و اعتماد و اطمینان نسبت به قاسم بن سلیمان و جراح مدائنی خود ندارد. جز این که آن دو در اسناد کامل الزیارات ذکر شده‌اند.

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: این روایات ظاهراً مبرهنه بر ساختن بنای و نگهداری آثار جاهلیت و جاهلیت و بی‌توجهی به آنهاست. و رای به حرام بودن بت‌ها و مجسمه‌ها مطلق، نگهداری و فراموشی آنها و واجب بودن محو و نابودی این آثار است و تصاویر متعددی ندارد.

ناپسند در این رسول خدا ﷺ راعلت نهی کرد این را قرار دادن، ناپسند و شک کردن بین این دو روایت است. این که منظور بیان ناپسندت باشد و این مورد از جمله کارهایی است که رسول خدا ﷺ حرام دانسته است) و ضعیف ساختن نهی (منظور اینست که رسول خدا ﷺ آن را مکروه قرار داده‌اند) است. بنابراین روایت دلالتی بر حرام بودن ندارد.

مذکور را به ظهور این دسته از اخبار اختصاص داده‌اند) قائل به حرام بودن همه (نوع) مجسمه سازی (بت و ...) هستند. بلکه به حرمت ساختن همه مجسمه‌های جانداران تصریح کرده‌اند. آنجا که فرمود: (و قول اخیر قوی‌تر است و

همین قول متین‌تر است که حکایت شده است^{۳۷} و در ذی‌الحجّه «واداعی» کردن صورت سوراخ به نفخ روح تصریح کرده که ظاهر از آنجا که حرمت ایجاد مجسمه جاندار است غیر از آن^{۳۸} و در پایان عبارتش فرمود: «و آنچه یقین بر آن شده حرام بودن مجسمه است که بر آنها ادعای اجماع شده است»^{۳۹} بنابراین دلالت اینها بر امام ﷺ از

دقت نظر در کلام بی‌اشکال است. دسته سوم: روایاتی که بر کفر و ناپسند بودن تمثالها در این روایات دلالت می‌کند. الف: آنچه در تهذیب از حسن بن سعید از نضر بن سوید از قاسم بن سلیمان از جراح مدائنی از امام صادق علیه السلام روایت شده است، که فرمودند: بر قبرها ساختمانی بنا نکنید و بر سقفهای خانه‌ها تصویر و شمایل نکشید، همانا

ب: در فروع کافی از علی بن ابراهیم از پدرش از محمد بن ابی عمیر از مثنی از امام صادق روایت کرده است که: «همانا امیرمؤمنان

حرمت مجسمه سازی ندارد. ولکن دسته اول و دوم برای اثبات حرمت کفایت می‌کنند. دسته اول ظهور در موجودات جاندار دارد به دلیل این

علی علیه السلام شمایل در خانه‌ها را کراهت و ناپسند می‌داشت»^{۴۱} به جهت نقل ابن ابراهیم و بزنطی از مثنی

حمله که بیان داشته: «روز قیامت وادار می‌شوند که تمثایل روح بدمند» و برخی از روایات دسته دوم

و غیر از دست دوم مزبور اخیر بگری نیز بر این مطلب وجوه دارند. لکن این عبار دلالتی بر حرمت ندارد بلکه «کره» شامل حرمت و غیر آن

و غیر آن می‌باشد و اطلاق است و به وسیله بعضی دیگر از هم دسته مقید است. مانند: روایت صحیح از

(بر این تسلیم شدن) است که کراهت داشتن تمثالها شامل ایجاد می‌شود اختصاصی برای بگدست آوردن و نکهت زنها ندارد، و اینکه نهی و کراهت مقید

این بیان وجود دارد «تمثالها تمثال الشجر و شبهه» و نیز خبر «العقول؛ همانا این دو روایت استفاده شده در تسیم صحنهای غیر جانداران مانعی ندارد.

سقفها و بناها شده، در بردارنده خصوصیت نیستند. ولکن لغاء و بیهوش کردن خصوصیت است و دیوار شمردن تمثالها و صورتها (به سبب داشتن بر آنها، در حالی که عجمها آنها را بر سر دیوارها نصب می‌کنند) دلالت دارند، تنافی و اختلاف دارد.^{۴۳}

نتیجه این است حرمت مجسمه سازی از موجودات جاندار بدون اشکال است. آن چنان که در حدیث آمده است: «همه از موجودات غیر جاندار اشکالی نیست.

مقام دوم: در (روشن شدن) حکم کشیدن تصاویر جانداران گروهی (از فقهاء) فتوا به حرام بودن آن داده‌اند

به هر حال این دسته از روایات دلالت بر

و به روایاتی استدلال کرده‌اند از جمله:

الف: آنچه صدوق (به اسنادش) از شعیب بن واقد از حسین بن زید از جعفر بن محمد رضی الله عنه از پدرش رضی الله عنه در حدیث مناهی روایت کرده است

که بر فرش کشیده شده بود، امر به گرفتن جان ساحر در مجلس خلیفه، مأمون عباسی، کرد. یا به ملاحظه رنگ نقاشی که در حقیقت اجزاء لطیف از رنگ آمیزی است.

این است که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

از این که عکس صورت را بر آینه بر انگشتر نقاشی کنند» ادعای برهمن ضعف و سستی روایت است لحاظ استمرار دادن آن توسط فقهاء، به این که چنین استنادی بدست آمده، طبیعی بدون دلیل است. و

و در این که در این دلالت (آن چنان که در تعلیقه میرزای رحمتم الله بر انگشتر منظور گویند این نیست به تحقق نفخ و دمیدن در محشمه ممی نیست تا با بیان فوق از آن پاسخ داده شود که مقصود - آن گونه که عبارت جواهر رحمتم الله در این عبارت است از این که بله در دمیدن روح حیوانی از حیوانی متعارف گردد صورتی چیز از حیوانها به این نحو وجود جسمی کند، و اراده امر کنند. این به دمیدن به نحوی که او حیوانی از زوایای متعارف نبود خلاف ظاهر است. این از روایات است که اراده نفخ روح است. فرار دادن جسمیتی زاید در تمثال، هر

این ادعای مستند بودن روایت با این که طرفه شیوه‌ها برای سندش وجود ندارد، مورد توجه نیست.

ب: اخباری دلالت صحت بر این که «هر کسی صورت را نقاشی کند تا او را روز قیامت وادارند که در آن حال آن که چنین قدرتی را ندارد».

دلالت این اخبار با توجه به این ادعا است تصور (و ذهنیت ما از) کلمه «نفخ» در نقاشی، به لحاظ محل آن، بلکه بدون این لحاظ، ممکن باشد. (آن گونه که امام رضا رضی الله عنه به تمثال شیری

دلالت این اخبار با توجه به این ادعا است تصور (و ذهنیت ما از) کلمه «نفخ» در نقاشی، به لحاظ محل آن، بلکه بدون این لحاظ، ممکن باشد. (آن گونه که امام رضا رضی الله عنه به تمثال شیری

دلالت این اخبار با توجه به این ادعا است تصور (و ذهنیت ما از) کلمه «نفخ» در نقاشی، به لحاظ محل آن، بلکه بدون این لحاظ، ممکن باشد. (آن گونه که امام رضا رضی الله عنه به تمثال شیری

بعد از آگاهی به اعتبار برخی از آنها (مانند: موثقه است.

ابن ابی عمیر، محمد بن مروان،) و مستفیض بودن مجموع آن اخبار، تأثیری ندارد. نهی می‌کنند مانند:

و تمام کلام، این که اخبار فوق در بر گیرند نقاشی جانداران باشد؛ ثابت نیست و کمترین رأی این است که اخبار شک نهی می‌کنند انداختن خانه‌ها کنیم. و بعد از آنکه تمسک به اخبار جایز نیست، زیرا تمسک به عام در شایسته موضوعه آن (عام) است. پس صدری آن است. پس نهی از کشیدن این را بیان می‌کند: که اختصاص دادن اخبار به موردی (رابط جمع باشد) و تنها نیز نفخ دادن باشد نتیجه‌اش حرام نبودن مجسمه‌ها نیز هست، زیرا (مجسمه) به لحاظ اجزاء از اجزای مائمه‌ها و روده‌ها ناقص است.^{۴۷} در پاسخ می‌گویند که این سخن در مورد روح، مجسمه‌هایی (که خالی از اجزای داخلی هستند) صاحب حیات و زندگی شوند، خارج شدن آنها از حیوانات به صورت متعارف و معمول نمی‌شود. بر خلاف نقاشی که چنانچه دارای حیات شود، خارج از امر متداول و معمول

الف: بیان امام علیه السلام در (روایت) موثوق از ابی...: «... و از زرق و برق انداختن به خانه‌ها نهی می‌کنند انداختن خانه‌ها چیست؟ فرمود: ترسیم کردن تمثالها.»^{۴۸} بنا بر آنچه گذشت منظور از تصاویر «معنای مصدری آن است. پس نهی از کشیدن تمثالها دلالت می‌کند. پس شایسته تصویرهای جانداران غیر از مجسمه‌ها نیز می‌شود. میرزای شیرازی رحمته الله علیه بر این استدلال اکتفا کرده است، به این که: آنچه در تمثالها ظاهراً اعتبار دارد، ترسیم بی‌حیاتی است. و این که شاه تغییر مجسمه بود، مورد تردید است. پس این عبارت باید درست نباشد. پس این مورد درست بیندیش.

ب: بیان امام علیه السلام در خبر تحف العقول: «و ساختن انواع تصاویر مادی که مُثَل و شمایل جانداران نباشند، انجام و آموزش دادن آنها حلال است.» مُثَل جمع مثیل است، (مانند

قتیل) به معنای شبیه و نظیر می‌باشد.

بازخواست قرار خواهید گرفت»^{۵۳} اشکال در

اشکال: افزون بر ضعف سند و - بیان

روایت صحیح قبل بر این روایت نیز وارد است.

حضرت امام علیه السلام - این که، روایت در مقام بیان

و شاید به لحاظ وجود همین اشکال است که

انواع حلال است نه حرام، اطلاق در آنجا

صحت روایت امام علیه السلام بیان فرموده‌اند: «اشکار بودن

استثناء شده (ما لم یکن مثل الروحانیة) وجود

جسم عمل الصور» در مجسمه سازی و

ندارد تا شامل مجسمه ترسیم شود»^{۴۹} ، و

انصرافش به مجسمه ترسیم نقاشی، مطلبی

افزون بر ظهور کلمه «صنعة» در مجسمه نه غیر

دور از ذهن است»^{۵۴}

آن - اشکال بر تحف این است که شامل

ه: در روایت صحیح محمد بن مسلم: از امام

همه جانداران بند حشرات، پرندگان و

صادق علیه السلام راجع به تمایز حشرات، خورشید و

حیوانات نمونه که جامع المدارک بیان

ماه سؤال کردم؟ فرمودند: «دامی که چیزی از

شد می‌شود»^{۵۰}

حیوان آنباشد، ایضا ندارد»^{۵۵} شیخ مسلم

ج: روایت صحیح ابی‌عباس بقیاق گو بر

(انصاری) علیه السلام فرمود: «این روایت از دیگر روایات

حرمت شمایل زنان بدون وجود مایع

اشکارتر است، زیرا ذکر و خورشید و ماه

دلالت دارد»^{۵۱}

قرینه و نشانه بر سر مجسمه نقاشی و کشیدن

اشکال موجود در روایت فوق است که

صحت است»^{۵۲}

مورد سؤال مجسمه ترسیم است

نخستین بار بیان شده این که: روایت

کشیدن صورت شود، جای تأمل و درنگ است.

دلالت بر جایز نبودن صورت سازی به معنای

علاوه بر این، مورد روایت قضیه شخصیت

سری ندارد، از آنجا که احتمال می‌رود، سؤال

است و دارای اطلاق نیست.

در روایت بازگشت به بدست آوردن و مالک

د: روایت معتبر در خصال: «از انجام ترسیم

شدن یا بازی کردن با شمایل و صورتهای

صورتها بهره‌زید، زیرا در قیامت از آنها مورد

کشیده شده، بعد از فرض وجود آنها باشد. بنابر

این، خبر دلالتی بر حکم ایجاد و ساختن آنها ندارد.

و سزاوار این است که گفته شود: سؤال اختصاص به کار و انجام صورت سازی ندارد بلکه شامل بدست آوردن و نگهداری می شود. پس وجهی در این روایت نیست. روایت به ایجاد کردن یا نگهداری نیک شدن ندارد. (پس در این مطلب خوب نظر کن و بیندیش).

همانطور که بر اساس روایت به کشیدن صورت با توجه به این ایجاد مجسمه آن خاص درخت میبایستی وجود ندارد. پس اطلاق سؤال طلب جدایی (رسم و تجسیم) از سوی اهل تصوف عمومیت سؤال و جواب را ندارد. ولکن محققان این را از روایت گرفته است، به این که: «روایت محمد بن مسلم در بر دارنده جواز تمثال غیر از شمایل حیوان است. و این نسبت به تمثال حیوان قضیه مهمله است و به همین جهت کلمه «بأس» همه افراد تمثال حیوان را اقتضا ندارد.»^{۵۷}

و گواه بر این مطلب این است که سؤال کننده در مقام سؤال از تمثالهای غیر جانداران است، و دلیل بر این شاهد اختصاص یافتن

سؤال به مثل درخت، خورشید و ماه است. بنابراین در حدیث مسلم و قطعی نیست که امام علیه السلام در بیان صدد بیان این امام علیه السلام «الم یکن شیء من الحیوان» از باب تفضل و توفی است. با توجه به اهمال موجود در روایت شمولش بر کشیدن صورت روشن نیست زیرا احتمال هست که از ساختن مجسمه حیوان جدا شده باشد.

اضافه بر آنچه بیان شد این است که در جامع المدارک^{۵۸} آمده: «مکن است بیان از جهت مضمور» است. منقطع است (زیر آن مستثنی منه است) امکان دارد که جهت تصویر نیز منقطع باشد. به این نسبت به حیوان نظر به ساختن مجسمه او باشد.»^{۵۸}

ولی بیان «جامع المدارک» - بعد از اطلاق داشتن مستثنی منه (مجسمه سازی و غیر آن)

و پیروی کردن «مستثنی» از مستثنی منه در این اطلاق - صحیح نیست. آری ادعای اهمال داشتن روایت (نسبت به تمثال حیوان) در جای خود ثابت بوده و نسبت به رسم و کشیدن

در برابر اختصاص دادن «تمثال و تصویر» به صورتهای کشیده شده، مطلبی است که حضرت امام^{علیه السلام} آن را تصور کرده‌اند: «همانا اخبار با توجه

صورت اطلاقی برایش ملاحظه نمی‌شود.

مدار^۱ عنوان است. ۱. تصویر

و این بیان امری است که

۲. تمثال^۲ که عبارت بیان

قبری را تجدید و یا کند یا مثال تصویر را

شده در آن «ش» است. و باید نیست که

سازد برآستی از آن خارج شده است.^{۵۹} این

تمثال و صورتی شینی خالی است هر قید گویای

روایت، بر حرمت^{۶۰} دلالت دارد. با توجه به

هیئت، و پیکری مستطیل^{۶۱} در آن از تمام

این ادعا که^{۶۲} و مترادف باشند. بنابر

جوانب باشد. و تمثال صورتی یا بدن،

آنچه کف اللغام از اهمیت حکایت کرده

شمایل خاص همان صورت و جلوی بدن

است. و در مورد^{۶۳} «تصویر» و مطلوب

هست آن گونه که تمثال کف بدن^{۶۴} چنین

از آن، صورتهای^{۶۵} شده از شمایل مردان،

است. و بکار بردن کلمه «تصویر» بر شمایل

زنان، پزندگان و^{۶۶} گمان^{۶۷} قسمه آنها.

صورت یا جلوی بدن^{۶۸} است. حال آن بر عقب

اشکال: اولاً^{۶۹} است از سند ضعیف برخوردار

نوعی^{۷۰} و اهمال است. هر چند در

است، ثانیاً: شأن^{۷۱} است بیان^{۷۲}

دو^{۷۳} و مقادیم بدن^{۷۴} خصوص در

و کاربرد یک کلمه است. نه این که در بیان

معنای^{۷۵} شهرت یافته است. با این که

معنای حقیقی باشد. ثالثاً: ادعای شیوع

حقیقی بدون شک نیست.

شهرت فوق در مورد کلمه «تصویر» با شیوع و

اما کلمه «صورت» به معنای شکل (که

متداول بودن مثل «من صور صورۃ کلف...» در

عبارت از هیئت و پیکر است) می‌باشد. و هیأت

مجسمه سازی، ادعایی بدون دلیل است.

شیء مانند تمثال آن چیزی شبیه او در تمام

تمثالها وجود دارد. پس به جواز تصویر در غیر مجسمه مایل شده است.^{۶۱}

و امکان این هست که گفته شود: همانگونه

بکار بردن دو کلمه «تصویر و تمثال» بر

اشیاء منقذیه صحیح است استعمال آنها بر

صورت‌های مجسمه‌ها صحیح است. و از نظر

عرف سلب از این مورد صحیح نیست. پس

آن گونه که تمثال مجسمه فردوسی

اطلاق می‌شود بر صورت آن نیز اطلاق

می‌گردد. و درست نیست گفته شود صورت

کشیده شده «تصویر» است. و این نشانگر و

کلی بودن آنها است. پس این اختصاص دادن

کاربرد آن دو را به مجسمه‌ها صحیح ندارد. به

همین جهت است که (مرحوم آراکی) بیان

نموده‌اند به این معنی: اطلاق مایل و تصاویر بر

نقشه‌ها و تصاویر بر مجسمه‌ها صحیح است.^{۶۲}

و در موارد استعمال تمثال و تصویر را با

صورت‌های مجسمه‌ها و کشیدن صورت حمل

کردن، درست نیست. آیا ملاحظه نمی‌کنی بیان

امام علی (ع) را که فرمودند: «آن گاه که تمائیل را زیر

پا بیندازی، ایرادی نیست که بر آنها نماز بجا

جوانب است. و بکار بردن کلمه «صورت» در

نقشه‌ها و تصاویر نوعی مسامحه است و به

همین جهت بر چهره فقط اطلاق می‌شود. و

شهرت داشتن استعمال «صورت» بر نقش

رسم در روایات (بر فرض قطعی دانسته شدن این

اصطلاح و مجسمه‌ها بر صورت‌های تمثال‌های

موجود بر بالشته‌ها غیر آنها - مذکور در روایات -

مانند هیأت آهوی که خوابیده است ایستاده) به

جهت وجود قبایلی در حدیثها است؛ و به همین

جهت اگر کسی در سؤال شود که آیا این

صورت «تمثال» خاص است یا لایح موجود از تمام

جهت‌ها است یا نسخ می‌خواهند داد. و کمترین

بیان این است: معنی حقیقی تمثال بر

آن جای شک نیست، مخصوصاً توجه به

شواهدی که در ظاهر و غیره ذکر شد.

است.^{۶۰}

و در جواهر (بر جواز رسم) است که به

نصوصی کرده که بر دگرگون ساختن سره

تمثالها یا قطع و شکستن آنها در حال نماز

دلالت دارد. به لحاظ این ادعا که برای آن

روایات نوعی آگاهی دادن در مورد مجسمه بودن

آوری»^{۶۳} در این بیان تماثیل بر صورت کشیده شده بدون قرینه بکار رفته است. و این کاربرد جز به جهت شهرت و شیوع استعمال در آن نیست. و مانند روایت فوق بسیار است.

و رسمها همین گونه است. تمام کلام این که معیار، صدق عرفی است. و این معیار در اینجا موجود است. پس از ناحیه ای تماثیل و تصویر اشکالی وجود ندارد.

اما بیان شما «امام» به این که: عرف سؤال شما «این تصویر تماثیل «خاص» شمایل وجود از تمام جهات است؟ پاسخ منفی خواهد داد؛ این اشکال را به همراه دارد که نشان دادن تمام جهات مانع صدمت مشابه (یعنی وجود از برخی جهات) نیست. اگر در صدق تماثیل بودن، تمام جهات شرط باشد لازمه اش این است که زمانی که تصویر و تماثیل (یا کوچکتر (به لحاظ ابعاد) از صاحب تصویر و کمال شده، تشابه صدق نکند، و این خلاف ارتکاب منفی و آنچه دیده شده، هست. بنابراین تماثیل کوچکتر یا بزرگتر هستند و در عین کاربرد تماثیل و تصاویر بر آنها صادق است. بنابراین تشابه در تمام جهات لازمه صدق صورت بر موجود نیست. پس زمانی که در ناحیه مجسمه تشابه از تمام جهات شرط نباشد در ناحیه نقشها

بلکه اشکال از ناحیه سند روایات و از جهت قصور و نقصان در تصویر و تصویرهای نقش شیخ اعظم (رضی الله عنهما) حرم صورت‌های نقش شده جانداران را از راه حکم تشریح، تأیید کرده است. آنجا که فرموده است که همانا حکمت در حرام بودن تصویر حرام است شبیه بودن به خالق و آفریده در ایجاد حیوانات و اعضاء آنها بر شکل‌های مطلوبی که بیشتر از ترسیم آنها به نحوی که سبب عجز است، چه این که به تشابه را بدو داشتن نمونه‌ای ایجاد کند و سبب آورد. و به همین جهت برخی از بزرگان مکلف به اذیت کردن صورت سازی شده داشته‌اند. (و با توجه به حکمت بیان اشکار است که ماده (گوشت، استخوان، پوست و خون و...) دخالتی در این اختراعات شگفت (حیوان، انسان) ندارد. بنابراین شبیه بودن (به خالق) با کشیدن صورت و شکل دادن

حاصل می‌شود.»^{۶۴}

اشکال:

اخبار ظهور در مجسمه دارند (آن گونه که بیانش گذشت) بنابراین برای تعمیم حرمت بر کشیدن صورت به لحاظ حکمت بیان شده دلیلی وجود

اولاً؛ با توجه به این احتمال که از راههای

منع ترسیم، ممکن است، تشبّه به عابد بت باشد، دلیلی بر ویژه قرار دادن حکمت وجود ندارد.

همانا استدلال به حکمت (چون علت) بر عمومیت آن چه بسا چنین

باشد) پس غرض نداشته باشد حاصل مطلب این که اخباری حثیت سند و دلالت (نسبت به رسم شکل‌های جانداران) ضعیف‌اند. و بر این اساس بوط به تمثیل هر چند مطلقاً شامل صورتهای شده‌می‌شوند، لکن دارای سند نیستند و به همین جهت اعتماد به آنها صحیح نیست. و برخی دیگر هم در تعمیم حرمتی است که بر خصوص مجسمه‌سازی دلالت دارد. و کمترین بیان آن در حدیثی است که در حدیث است، پس اطلاقی آن نیست.

اشکال: افزون بر ضعف سند - بیان

حضرت امام زین‌العابدین (ع) روایت در

مقام بیان حرمت حلال است نه حرام

اطلاقاً آنچه است شده (ما لم یکن

مثل حیوانی) و حدیثی ندارد تا شامل

مجسمه و غیره شود. و افزون بر ظهور

کلمه (صنعة) در حدیث - اشکال

بر خبر تحفین است که شامل همه

جانداران مانند پرندگان، برندگان

(آن گونه که در جامع المدارک بیان شده)

نمی‌شود.

ثانیاً؛ دخالت نداشتن ماده را در شبیه بودن،

قبول نمی‌کنیم، زیرا دلیل بر تشبّه اخبار وادار

ساختن رسم‌کننده به دمیدن روح است. و این

زیرا بر ایراد فوق، این مطلب است که گفته می‌شود: نهی از تصاویر و تمثالها نگهداری آنها را نیز شامل می‌شود.

پس زمانی که قائل به جواز بدست آوردن و

نگهداری صورتها بلکه مجسمه‌ها باشیم، امر بین تخصیص (حرمت به مجسمه سازی) و حمل (نهی) بر کراهت (تصاویر و تماثیل) دور می‌زند.^{۶۵} و همچنین نهی از تماثیل و مجسمه سازی شامل غیر جانداران می‌شود. پس با این به حرام نبودن مجسمه‌سازی و آزاران، امر بین تخصیص (حرمت) به جانداران و حفظ عمومیت (حرمت) هر دو) و حرمت نهی بر کراهت دور می‌زند. توجه به این دوران رأی به حرمت تصویر و تماثیل تعینتی ندارد.^{۶۶} تازی به حرام وجود اخبار مستحب بر معذب بودن ترسیم صورتها تعین که روح در آنها بدمد؛ حرمت مجسمه سازی در جانداران تعین پیدا می‌کند، زیرا عمل با روح تعین نمی‌شود. ولکن دفع این مجسمه گفته شده، تعین است که: اقتضای جمع عرفی بین مجسمه سازی و کراهت خارج ساختن موارد جواز از (روایات) اطلاق است. و بعد از این جمع عرفی فرصت برای حمل موارد مطلق بر کراهت نیست تا این که دوران بین دو امر وجود یابد. مگر این که: - آن چنان که حضرت امام

بیان داشته‌اند - گفته شود: «بر فرض اطلاق، عموم و شمول ادله (مانند: «من مثل مثلاً فکذا، و من صور صورة فکذا») و بر فرض بیان آنچنانچه در آنها برای عاجز بودن، نه به جهت تناسب تماثیل تمام موجودات را در بر خواهد گرفت. و این امر بر مطلقات و عمومات است. زیرا عناوین تصویر، صورت، تماثیل به جهت کراهت شدن مطلق در آنها بر عموم دلالت می‌کنند. و این تعین آنها به هر موجود جسمانی، روحانی، جزای و نبات هر موجود بلکه اضافه کردن آنها به بعضی از اینها صحیح است، پس تماثیل سر، صورت، پا، دست، درخت، ساقه و برگ تعین می‌کند؛ در چنین صورتها هم وجود آنها از عمومات و الاوقات خارج شدن، و تنها صورت‌های کامل حیوانی آنها باقی گذاشتن، لازمه‌اش تخصیص کمتر بوده و این امری رکیک و زشت است. و چنین استهجانی از قرینه‌هایی که ادله را اثر هنگام صدور فرا گرفته کشف می‌کند و این علت خروج تخصیص اکثر از زشتی می‌شود. و آنچه به یقین و بدون شبهه استفاده می‌شود،



حرمت مجسمه‌هایی است که بر آن ادعای
اجماع شده است.

و ادعای بازگشت به خصوص صورتهای
کامل یا خصوص صورتهای حیوانات، دعوایی
بدون دلیل است...

لکن انصاف این است که در صورتی که دلیل
قابلیت مناسبت و مجادله ندارد. «والله
العالم»^{۶۷} و چه وجه مناقشه مجادله این
باشد که: تخصصی برای موجب ریک بودن
و زشتی نمی‌شود، و علاوه برخی از اخبار -
ملاک اخبار نفخ - به گونه کلمه «نفخ»
اختصاص جانداران دارد. به جهت ظهور آن
کلمه، در کامل صورت به چیزی که تناسب
با آن دارد که عیب از بیع روی دارد. پس این
شامل غیر جاندار نمی‌شود. (تو غافل
نباش). □

۳- علامه شیخ مرتضی انصاری (م)

۴- به حدیث و روایتی که روایتش در تمام طبقات از
دو یا سه تجاوز کرده باشد مستفیض گفته می‌شود. (م)

۵- جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۱

۶- فروع کافی، ج ۶، ص ۵۲۷، باب تزویق البیوت، ح ۴.

۷- فروع کافی، ج ۶، ص ۵۲۷، باب تزویق البیوت، ح ۴.

۸- الفروع کافی، ج ۶، ص ۵۲۸، باب تزویق البیوت، ح ۴.

۹- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۵، باب مناهی
المنی، ح ۳۹۶۸، طبع مؤسسه خراسانی، مشهد.

۱۰- البیوت، ج ۲، ص ۵۵، باب تزویق البیوت، ح ۴۳.

۱۱- و شکلی در صورت اذیت خدا، رسول
خدا و ائمه نیست. (م)

۱۲- خبر صحیح آن است که سبب نقل امامی
عادل از مثل خودش، سندش تمام طبقات به
موسم طهر است. (م)

۱۳- ساء، آیه ۱۳.

۱۴- فروع کافی، ج ۶، ص ۵۲۷، باب تزویق البیوت، ح ۷.

۱۵- مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۲۲۶، طبع مؤسسه
تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۱۶- جامع الاحادیث الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۲۷، باب
تحریم تصویر تماثیل ذوات الارواح، حدیث ۱۵.

پی‌نوشتها

۱- جامع الاحادیث الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۲۳، باب

تحریم تصویر تماثیل ذوات الارواح، ح ۱۴.

۲- علامه شیخ محمد حسن نجفی (م)

۱۷ - نه از ایجاد کردن هیأت و صورت اشیاء. (م)

هدف دعوت رسول ﷺ می باشد. (م)

۱۸ - همان مدرک، ص ۲۲۴، حدیث ۱۶.

۳۰ - مکاسب محرمه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۱۹ - توضیح: زمانی از کلمه «لا بأس» استفاده شود

۳۱ - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۸۵، باب

که فلان عمل یا آن شیء کراهت و مرجوحیتی ندارد

۳۲ - همان مدرک، ص ۲۷۱، باب عقاب من یغضب.

سبب در جایی که گفته شود «فیه بأس» به این

۳۳ - انا، ج ۳، ص ۵۶۲، باب ۳، احکام المسکان،

خواهد بود که کاری مکروه و مرجوح است

دلالیت بر حرمت دارد. (م)

۳۴ - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۷۰.

۲۰ - المحاسن، ص ۴۵۳، باب تزیین البيوت، ج ۳۶.

۳۵ - عقاب من یغضب، ص ۲۷۱.

۲۱ - من لا یضره الفقه، ج ۵، ص ۵، مناهج

۳۶ - همان مدرک، ص ۲۷۱.

النبی ﷺ، حدیث ۱۱.

۳۷ - المواهب فی تحریر المصائب، ص ۳۴۱.

۲۲ - ص ۱۴۹، نقاشی و صورت

۳۸ - مکاسب محرمه، ص ۲۵۵.

کشید (م)

۳۹ - همان مدرک، ص ۲۷۱.

۲۳ - تزیین البيوت، ص ۱۴۹، باب

امام (ع)

۲۴ - ج ۱، ص ۱۷، ج ۱۴۹، باب

۴۰ - همان مدرک، ص ۲۷۱.

وجوب الاجتناب، ص ۱۷، حدیث ۱۱.

۴۱ - تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۱، باب تلقین

۲۵ - خصال، ص ۶۱۰-۶۱۵، باب

۴۲ - احتضار، ص ۱۵۰.

۲۶ - جامع الروایة، ج ۳، ص ۱۷۱.

۴۳ - فروع، ص ۲۲۷، باب تزیین البيوت، ج ۵.

۲۷ - جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۷، باب

۴۴ - همان مدرک، ص ۲۷۱.

تحریم تصویر التماثل، حدیث ۱۱.

۴۵ - همان مدرک، ص ۲۷۱.

۲۸ - وسائل، ج ۳، ص ۵۶۲، باب ۳، احکام المس

۴۶ - همان مدرک، ص ۲۷۱.

حدیث ۱۰.

۴۷ - درایه عقیده فاسد است. (درایه تألیف شهید ثانی) (م).

۲۹ - بلکه با عقل و دأب و مشرب شارع مقدس

۴۸ - زیرا الفاء خصوصیت سبب می شود که ایجاد

هماهنگ است و امری مهم در جهت تحقق غرض و

صورتها دارای کراهت باشد در حالی که روایات تحقیر
دلالیت بر حرمت داشت. (م)

۴۴ - من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰، مناهی

النبی، حدیث ۴۹۶۸.

۴۵ - حاشیه مکاسب (تألیف میرزا محمد علی

شیرازی)، ص ۶۴

۴۶ - و تمسک به عام در شیوه موضوعیه و

مصدقیه عام با است. (م)

۴۷ - و پیدا شدن اجناس با چشمه‌ای که

حیات پیدا کرد معمول و متعارف است. (م)

۴۸ - حاشیه مکاسب، باب ۲، احکام المساکین،

ص ۲۶۴.

۴۹ - حاشیه مکاسب، ص ۲۶۴.

۵۰ - حاشیه مکاسب، ج ۳، ص ۱۴ (لکن ظهور لقط

الروحانی فی مصدقیه مثل الحشرات و

الطیور والبهائم غرضی).

۵۱ - وسائل، ص ۵۶۱، باب احکام المساکین

حدیث ۴.

۵۲ - هرگاه موضوع در قضیه حملیه باشد،

آن قضیه شخصیه نامیده می‌شود. (م)

۵۳ - خصال، ص ۶۳۵.

۵۴ - مکاسب محرمه، ج ۱، ص ۱۷۳.

۵۵ - وسائل، ج ۳، ص ۵۶۳، باب ۳، احکام مساکین، ج ۱۷.

۵۶ - مکاسب، ج ۱، ص ۱۸۵، طبع تراث

الشیخ الاعظم.

۵۷ - حاشیه مکاسب (لالیروانی)، ص ۲۱، طبع

۵۸ - حاشیه مکاسب، ص ۲۱.

۵۹ - وسائل، ج ۳، ص ۵۶۲، احکام مساکین، ج ۱۰.

۶۰ - مکاسب محرمه، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۶۱ - حاشیه مکاسب، ج ۲، ص ۴۲.

۶۲ - مکاسب المحرمه، ج ۱، ص ۱۰۴، والمراد من

«النقوش» الرسوم.

۶۳ - وسائل، ص ۴۶۲، باب ۱۲، مساکین

المطلی، حدیث ۷.

۶۴ - مکاسب، ص ۱۸۵.

۶۵ - حاشیه مکاسب، ص ۱۸۵، حیطة حرمت خارج

کنیم و حرمت اختصاص به مسکین بدهیم و یا

مسکین را که صورت کشیدن و مسکین را مکروه

بدهیم.

یعنی تنها شامل حرمت، ساختن مجسمه

بداران نمی‌شود، بلکه جانداران و غیر آنها را به نحو

حرمت و کراهت شامل خواهد شد. (م)

۶۶ - مکاسب محرمه، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۷۵.